

الحمد لله  
البرحمين!



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه حضرت فاطمه سلام الله علیها شهرستان رفسنجان

عنوان

**سبک زندگی اسلامی در جذب کودکان به**

**مسجد**

نگارنده

راضیه حسینی پور

زمستان 1394

تقدیم به

تقدیم به یگانه منجی عالم بشریت، حضرت ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه

الشریف-

تقدیم به سکان دار کشتی ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

تقدیم به پدر و مادر عزیزم که هر چه دارم از آن هاست.

## چکیده

از آنجا که خداوند متعال بشر را به حال خود رها نکرده و همواره برای او راه را روشن می کند. دین اسلام نیز چون سایر ادیان در جهت دادن روش دادن به بشر است. از جمله اموری که اسلام به مسلمین روش می دهد، مسئله تربیت کودکان است. برای تربیت دینی کودکان بایستی آن ها را به مسجد علاقه مند و مانوس کرد. جستجو سبک و سیاق اسلام در جذب کودکان به مسجد می تواند راهگشایی برای همه افراد و دستگاه حکومتی برای تربیت و ایجاد نسل معنوی و دینی باشد.

## طرح تحقیق

**عنوان:** سبک زندگی اسلامی در جذب کودکان به مسجد

**تبیین مسئله:** خداوند متعال بنابر حکمت خویش هیچگاه بشر را بدون راهنما رها نکرده و همواره پیامبران را به سوی ملت ها فرستاده تا آنها را با دین الهی آشنا و از طریق آن به سعادت و کمال نهایی برسانند. آخرین و البته کامل ترین دین الهی، اسلام عزیز است که توسط رسول گرامی اسلام در اختیار ما قرار گرفت. وظیفه ما عمل به دستورات دین و زندگی به سبک اسلامی است تا در صراط مستقیم قرار گیریم؛ کما اینکه رهبر معظم انقلاب نیز به این مسئله تاکید بسیار دارند.

یکی از مسائلی که باید در سبک زندگی اسلامی تبیین و جستجو کرد، نوع تربیت اسلامی کودکان است که البته در اینجا بحث ما برسر چگونگی جذب کودکان به مسجد است. از آنجا که مسجد خانه خدا و مرکز دینی اسلام محسوب می شود، باید کودکان را از همان سن کم با آن آشنا و مأنوس نمود. راهکار را نیز باید در منابع اسلامی و در واقع سبک زندگی اسلامی جستجو کرد تا بدانیم بزرگان و معصومان چگونه فرزندان خود را به حضور در مسجد علاقه مند می کردند تا بتوان کودکان را از خطر دوری از خدا و دین مصون داشت.

**ضرورت مسئله:** از آنجا که ما مسلمانیم لازم است که سبک زندگی در اسلام را بدانیم تا زندگی خود را در تمام مراحل از ابتدا تا انتها و نیز در تمام امور و شئون با دین آسمانی خود تطبیق دهیم. از طرف دیگر تربیت دینی کودکان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و یکی از راههای آن، جذب کودکان به

مسجد (یعنی کانون اسلام) برای دوری از خطر دین زدایی می باشد. لذا ضروری است که سبک زندگی اسلامی در زمینه جذب کودکان به مسجد بررسی شود تا چراغ راه همگان قرار گیرد.

**پیشینه تحقیق:** مسئله مسجد و کودکان هر کدام به طور جداگانه در کتب و مقالات بسیاری بحث شده است. از جمله کتاب «23 قانون طلایی برای تربیت کودک» و کتاب «اصول تربیتی صحیح فرزندان» که به بررسی روش های تربیتی فرزندان می پردازند. همچنین کتبی مثل: «معماری ایرانی در مسجد» و «حدیث مسجد» به طور کلی توضیحاتی راجع به مسجد ارائه داده اند. اما این تحقیق سعی دارد که با تکیه بر آیات و روایات به بررسی سبک اسلام در تربیت فرزندان مبادرت ورزد.

**روش تحقیق:** روش تحقیق در این مقاله، تحلیلی و درون دینی است و مطالب با روش کتابخانه ای جمع آوری شده است.

**سوال اصلی:** سبک زندگی اسلامی در جذب کودکان به مسجد چیست؟

### **سوالات فرعی:**

- 1- مفهوم سبک زندگی اسلامی چیست؟
- 2- راهکارهای قرآنی در رابطه با جذب کودکان به مسجد چیست؟
- 3- راهکارهای روایی در رابطه با جذب کودکان به مسجد چیست؟

## 1- راهکارهای قرآنی جذب کودکان به مسجد

### 1- آزادی کودکان

از آیات قرآن کریم می توان دریافت که یکی از راهکارهای جذب کودکان به مسجد، رها و آزاد گذاشتن آنهاست. کودکان باید در مسجد بتوانند هرکار که می خواهند بکنند به این معنا که آنان را محدود به انجام عبادت نکنیم و اجازه دهیم هر موقع خواست به عبادت بپردازد. قرآن کریم می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ «کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!!»

در نگاه اولیه رابطه ای بین آیه مذکور و تیتتر نمی یابیم اما اگر دقت کنیم می بینیم که کودکان به شیوه خودشان عبادت خدا را نموده و او را یاد می کنند. شاید همان بازی کردن آنان در مسجد عبادت حساب شود، بنابراین محدود کردن و جلوگیری از آزادی آنها به نوعی جلوگیری از یاد و ذکر خدا در مسجد است که مصداق آیه شریفه می شود.

علامه طباطبایی ذیل آیه مذکور چنین می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ الْخَ، از ظاهر سیاق بر می‌آید که منظور از این ستمکاران کفار مکه‌اند و جریان مربوط بقبل از هجرت است، چون این آیات در اوائل ورود رسول خدا (ص) بمدینه نازل شده است. (أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ) این جمله بخاطر کلمه (کان) که در آنست، دلالت دارد بر واقعه‌ای که قبلاً واقع شده بوده و قهراً با کفار قریش و رفتار ایشان با مسلمانان تطبیق می‌شود، چون در روایات مهم آمده که کفار نمی‌گذاشتند مسلمانان در مسجد الحرام و در مسجدهای دیگری که پیرامون کعبه برای خود اتخاذ کرده بودند، نماز بخوانند.<sup>۱</sup>»

اگر به خاطر شیطنت کودکان از ورود آنها به مسجد جلوگیری شود دقیقاً همان عمل کفار انجام شده است.

## 2- عدم سختگیری

در قرآن کریم چنین آمده است:

«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ<sup>۲</sup>»؛ «بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی‌گردید.»

در تفسیر این آیه شریفه چنین آمده است:

«و أمرهم أن يقيموا وجوههم عند كل مسجد و قيل فيه وجوه:

أحدها- قال مجاهد و السدى و ابن زيد: معناه توجهوا الى قبله كل مسجد فى الصلاة على استقامه.

1- طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج 1، سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، فتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، 1374، ص 390.



الثانی - قال الربیع: توجهوا بالإخلاص لله، لا للوثن و لا غیره. و قال الفراء: معناه إذا دخل علیک وقت الصلاة فی مسجد فصل فیہ، و لا تقل آتی مسجد قومی، و هو اختیار المغربی<sup>۱</sup>»

به هر حال توجه به مسجد به هر معنایی که باشد، سروصدا و شیطنت کودکان نباید موجب حواس پرتی نمازگذار شود و لازم است که او به کودک سختگیری نداشته باشد. احساس راحتی باعث می شود که کودک علاقه مند به حضور در مسجد شود.

### 3- به مسجد بردن کودکان

یکی دیگر از راهکارهای آیات برای جذب کودکان به مسجد این است که در همان کودکی آنها را به مسجد برده و با این مکان مقدس آشنا نماییم. آشنایی با مسجد موجب علاقه مندی کودک به مسجد می شود و در واقع زمینه ساز انس با مسجد است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ<sup>۲</sup>»  
«ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد.»

در این آیات به تناسب سرگذشت آدم در بهشت، هم چنان سخن از مساله پوشش تن و سایر مواهب زندگی و چگونگی استفاده صحیح از آنها است.

نخست به همه فرزندان آدم به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می شود دستور می دهد که «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید» (یا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ).

این جمله می تواند هم اشاره به «زینتهای جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباسهای مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می شود، و هم شامل «زینتهای معنوی»، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص.

1- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 4، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص 384.

2- اعراف، 30.

و اگر می‌بینیم در بعضی از روایات اسلامی تنها اشاره به لباس خوب یا شانه کردن موها شده، و یا اگر می‌بینیم تنها سخن از مراسم نماز عید و نماز جمعه به میان آمده است، دلیل بر انحصار نیست بلکه هدف بیان مصداقهای روشن است.

و همچنین اگر می‌بینیم که در بعضی دیگر از روایات، زینت به معنی رهبران و پیشوایان شایسته تفسیر شده دلیل بر وسعت مفهوم آیه است که همه زینتهای ظاهری و باطنی را در بر می‌گیرد<sup>۱</sup>.

همچنین از دیگر مصداقهای آن می‌تواند فرزندان باشد، چراکه خداوند در جای دیگر از قرآن می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»

#### 4- امور مربوط به کودکان

«وَ كَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيهِمْ إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»؛ و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگوئید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).»

مفسران قرآن کریم می‌گویند:

همین که آنها فرار کردند و داخل غار شدند، شاه بد سگال، دستور داد که: در غار را مسدود سازند و آنها را در غار زندانی کنند، تا از تشنگی و گرسنگی جان سپارند و همان غار، گور آنها باشد، بخیال اینکه آنها بیدار هستند.

1- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 6، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة، 1374، ص 148.

2- کهف، 46.

دو نفر آدم مؤمن، شرح حال این مردان حق طلب را با همه خصوصیات آنها، بر لوحی نگاشتند و در صندوقی مسین نهادند و در دیوار غار، پنهان کردند، به این امید که در آینده مردم با ایمانی پیدا شوند و با خواندن آن مطالب، از حال آنها آگاه شوند.

مردم آن عصر منقرض شدند. سالها از پی یکدیگر گذشتند. ملتها و پادشاهانی یکی پس از دیگری آمدند و رفتند. سرانجام مردی صالح، بنام «تدلیس» یا- بقول محمد بن اسحاق «بندوسیس»- به پادشاهی رسید. در زمان او عقاید مختلفی در میان مردم پیدا شد. دسته‌ای به خداوند و روز قیامت، ایمان داشتند و دسته‌ای منکر بودند.

شاه، از این اختلاف، دل‌تنگ شده، به درگاه خداوند استغاثه کرد و گفت:

- خدایا اختلاف این مردم را می‌نگری، برای آنها نشان و دلیلی بفرست که بدانند قیامت حق است و در آن شکی نیست.

خداوند بر قلب یکی از اهالی شهر الهام کرد که دیوار غار را خراب کند و برای گوسفندانش آغلی بسازد. وی این کار را کرد و همراه خراب شدن دیوار، خواب شدگان چند صد ساله، از خواب شیرین بیدار شدند و برای تهیه غذا یکی را به شهر فرستادند.

مردم از حال آنها مطلع شدند و شاه را از واقعه آگاه کردند، تا هر چه زودتر بغار برود و نمونه‌ای از دلایل روشن پروردگار را مشاهده کند. همین که خبر به او رسید، خدا را ستایش کرد و با مردم شهر بسوی غار رهسپار شد.<sup>۱</sup>

همانطور که در آیه آمده است، بعد از مشخص شدن جریان اصحاب کهف بر سرمزار آنها مسجد و عبادتگاه ساخته شد. این به خاطر این بود که هر کس به مسجد می‌آید باید اعتقادات را نیز فراگیرد و مسجد ساختن کنار قبر اصحاب کهف به این منظور کمک می‌کند. پس برای جذب کودکان به مسجد نیز باید برنامه‌هایی مخصوص آنها در مسجد داشت تا بتوان آنها را به بهانه این برنامه‌ها به مسجد کشاند و با اسلام آشنا و نمود و عقاید اسلامی را به آنها آموخت.

---

1- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 15، ترجمه: مترجمان، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، 1360، ص 36.

## 2- راهکارهای روایی جذب کودکان به مسجد

### 1- آزادی دادن به کودکان

کودکان نیاز به بازی و سرگرمی دارند. نمی توان از آنها توقع داشت که از اول تا آخر در مسجد بنشینند و مانند یک انسان کامل رفتار کنند. اصولاً کودکی که فعالیت لازم کودکی را نداشته باشند از نظر روحی دچار مشکل بوده و باید برای درمان او اقدام نمود. البته منظور شیطنت بیش از حد که با عنوان «پیش فعالی» شناخته می شود نیست. به هر حال کودک مثل یک بزرگسال نیست و انرژی و شادی زیادی دارد؛ لذا اگر این انرژی را با شیطنت های کودکانه خالی نکند، مشکلی دارد که مانع بروز این انرژی شده است و باید این مشکل را یافته و رفع نمود.

سبک زندگی اسلامی در اینجا آزاد گذاشتن کودکان در مسجد است تا آنها احساس راحتی در مسجد داشته باشند. اگر کودکان در مسجد محدود شوند و نتوانند کودکی کنند، از این مکان مقدس گریزان می شوند. کودکان به جایی جذب می شوند که در آن مجبور نباشند مانند یک انسان بزرگسال رفتار کنند. در سیره معصومین شاهدیم که از اذیت کردن کودک جلوگیری نکرده و او را آزاد می گذاشتند. مثلاً امام حسن علیه السلام هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به سجده می رفتند برگردن ایشان سوار می شدند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله با یک دست او را از پشت گرفته و بلند می شدند و او را کنار نمی زدند.

امام علی علیه السلام در معرفی خاندان خویش پسرشان را چنین معرفی می کنند:

«أَمَّا الْحَسَنُ ابْنِي فَقَدْ تَعَلَّمَ وَ يَعْلَمُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ أَنَّهُ يَتَخَطَّى الصُّفُوفَ حَتَّى يَأْتِيَ النَّبِيَّ ص وَ هُوَ سَاجِدٌ فَيَرْكَبَ ظَهْرَهُ فَيَقُومُ النَّبِيُّ ص وَ يَدُهُ عَلَى ظَهْرِ الْحَسَنِ وَ الْأُخْرَى عَلَى رُكْبَتِهِ حَتَّى يَتِمَّ الصَّلَاةَ قَالَا نَعَمْ قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ تَعَلَّمَ وَ يَعْلَمُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ أَنَّ الْحَسَنَ كَانَ يَسْعَى إِلَى النَّبِيِّ وَ يَرْكَبُ عَلَى رَقَبَتِهِ وَ يَدْلِي الْحَسَنُ رِجْلَيْهِ عَلَى صَدْرِ النَّبِيِّ ص حَتَّى يُرَى بَرِيقُ خُلْخَالِيهِ مِنْ أَفْصَى الْمَسْجِدِ وَ النَّبِيُّ ص يَخْطُبُ وَ لَا يَزَالُ عَلَى رَقَبَتِهِ حَتَّى يَفْرُغَ النَّبِيُّ ص مِنْ حُطْبَتِهِ وَ الْحَسَنُ عَلَى رَقَبَتِهِ فَلَمَّا رَأَى الصَّبِيَّ عَلَى مِنْبَرِ أَبِيهِ غَيْرَهُ شَقَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ اللَّهُ مَا أَمَرْتُهُ بِذَلِكَ وَ لَا فَعَلَهُ عَنِّ أَمْرِي»

این توصیف به خوبی بیانگر یکی از سیاستهای معصومین علیهم السلام در جذب کودکان به مسجد است، به طوری که زمانی که یک کودک برگردن امام جماعت سوار می شود ایشان نه تنها ناراحت نمی شوند بلکه رعایت حال او را نیز می کنند.

البته نباید اجازه داد که کودک موجب آزار و اذیت دیگران شود، مثلاً والدین در زمانی که سایرین مشغول نماز جماعت هستند، کودک خود را سرگرم کنند و با او بازی کنند و بین دو نماز، مشغول نماز شوند. والدین باید بدانند که هر چند نماز واجب است ولی در اینجا باید اول کودک را به نماز و مسجد علاقه مند کنند.

در روایت دیگری چنین آمده است:

«وَ كَانَ ص يُؤْتِي بِالصَّبِيِّ الصَّغِيرِ لِيَدْعُوَ لَهُ بِالْبَرَكَةِ أَوْ يُسَمِّيَهُ فَيَأْخُذُهُ فَيَضَعُهُ فِي حِجْرِهِ تَكْرِمَةً لِأَهْلِهِ فَرُبَّمَا بَالَ الصَّبِيُّ عَلَيْهِ فَيَصِيحُ بَعْضُ مَنْ رَأَاهُ حِينَ بَالَ فَيَقُولُ ص لَا تُزْرِمُوا بِالصَّبِيِّ فَيَدْعُوهُ حَتَّى

1- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج 1؛ چاپ اول، قم، کتاب فروشی داوری، 1385 ش، ص 187.

يَقْضَى بَوْلَهُ ثُمَّ يَفْرُغُ لَهُ مِنْ دُعَائِهِ أَوْ تَسْمِيَّتِهِ وَ يَبْلُغُ سُورُ أَهْلِهِ فِيهِ وَ لَا يَرُونَ أَنَّهُ يَتَأَدَّى بِبَوْلِ صَبِيهِمْ فَإِذَا  
انصَرَفُوا غَسَلَ ثَوْبَهُ بَعْدُ<sup>1</sup>»

کودک در دامان پیامبر بول می کند ولی ایشان حساسیتی نشان نمی دهند. یعنی باید کودکی کودک را درک کرد و به او اجازه کودکی داد. این مسئله هرچند در کسجد اتفاق نیفتاده ولی به طور قطع اگر در مسجد نیز کودک لباس پیامبر را نجس می کرد ایشان همین عکس العمل را نشان می دادند. بر همین اساس است که به مادر اجازه داده شده که اگر کودک در حین نماز به گریه افتاد، او را بغل کند و یا حتی او را شیر دهد.

## 2- مهربانی نسبت به کودک در مسجد

انسان، بنده محبت است و هر کس به او محبت کند ناخواسته به سوی او جذب می شود. این مسئله در مورد مکان نیز صدق می کند، یعنی اگر آدمی به مکانی برود که او را تحویل بگیرند و به او محبت کنند و به او خوش بگذرد، به آن مکان علاقه مند شده و به آن گرایش پیدا می کند. کودکان بیشتر از بزرگسالان مشمول این قاعده می شوند؛ لذا لازم است که در مسجد مهربانی و عطوفت بیشتری نسبت به کودکان نشان داد تا آنها به این مکان مقدس علاقه مند شده و خاطره خوبی از حضور در مسجد داشته باشند.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:  
«صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ص بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَخَفَّفَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ

1 مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، 1403 ق.

فِي الصَّلَاةِ حَدَّثُ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا حَقَّقْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ<sup>1</sup>»

اینکه رسول گرامی اسلام در مقام امام جماعت تنها به خاطر گریه یک کودک، نماز خود را سریع تر و مخفف تر می خوانند باعث می شود که خاطره خوبی از حضور در مسجد در خاطر او بماند و این مهربانی نسبت به کودکان محسوب می شود.

در رابطه با محبت کردن به کودکان در روایات بسیار تاکید شده است. از جمله:

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلِيٌّ بَرُّهُمَا<sup>2</sup>».

در واقع لازم است که در هنگام نماز و رفتن به مسجد به کودکان توجه کامل داشت و از آنها غافل نشد. غفلت از آنها و یا بدرفتاری و تندخویی با آنها تا همیشه در خاطر آنها ثبت شده و برای همیشه از رفتن به مسجد احساس ترس و محدودیت و ناراحتی دارد که او را از حضور فعال در این مکان باز می دارد. این مسئله باید هم مورد توجه والدین قرار گیرد و هم مورد توجه امام جماعت و سایر مأمومین. آنها باید بدانند که آینده اسلام به دست کودکان است و اگر امروز آنها را با رفتار نادرست از مسجد گریزان کنند، آینده اسلام را به مخاطره انداخته و در این رابطه مسئول خواهند بود.

---

1- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج 6؛ چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية، 1407، ص 48.

2- همان.

در احادیث ائمه معصومین علیهم السلام شاهدیم که به وادار نمودن کودکان به نماز امر کرده اند. این امر به خصوص در مسجد باید صورت پذیرد. دو حدیث ذیل این امر را می رسانند.

به هر حال دلیل رفتن به مسجد این است که افراد با اسلام آشنا شده و به خدا نزدیک شوند، در نتیجه نباید مسجد برای کودکانی که وقت یادگیری احکام و امور دین برای آنها رسیده صرفاً محلی برای بازی و سرگرمی باشد؛ چراکه هم از موقعیت و منزلت مسجد کاسته می شود و هم بهترین موقعیت برای یادگیری از دست می رود. البته لازم است که توجه کامل به سن کودک بشود و از تحمیل چیزی که خارج از توان اوست، خودداری شود چراکه نتیجه سوء دارد. در روایتی در رابطه با وادار کردن کودکان به نماز چنین آمده است:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ عَشْرِ سِنِينَ».

در جای دیگر نیز چنین آمده است:



أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ أَنْ يُصَلُّوا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ جَمِيعاً وَالظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعاً فَيُقَالُ لَهُمْ يُصَلُّونَ الصَّلَاةَ لِغَيْرِ [فِي غَيْرِ] وَقْتِهَا فَيَقُولُ هُوَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَنَامُوا عَنْهَا.»

اینکه امام علی علیه السلام کودکان را امر می فرمودند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با هم بخوانند (نه تک تک و جداگانه) این است که به هر حال باید نماز را بخوانند و این بهتر از نخواندن نماز است. در عین حال نخواستند که سختگیری کرده و آنان را وادار به نماز خواندن مانند سایرین بکنند. به هر حال کودک باید در مسجد با اسلام آشنا شود و آن را بشناسد. این مسئله را می توان تعمیم داد، یعنی در مسجد کودک را با همه اصول و احکام اسلام آشنا کرد. به عبارتی مسجد باید محیطی آموزشی برای کودکان باشد، مثل مهدقرآن. البته باید این آموزش همراه با مهربانی و به دور از سختگیری و کم کم باشد.

#### 4- رعایت حال کودکان

سیره بزرگان در تربیت فرزندان و جذب آنها به مسجد این بود که رعایت حال آنها را می کردند. در روایتی چنین آمده است:

وَرَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَكُونَ صَلَاتُهُ عَلَى صَلَاةِ  
أَضْعَفِ مَنْ خَلْفَهُ!»

و در جای دیگری می فرماید:

«وَ كَانَ مُعَاذٌ يَوْمَ فِي مَسْجِدٍ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ يُطِيلُ الْقِرَاءَةَ وَ أَنَّهُ مَرَّ بِهِ رَجُلٌ فَافْتَحَ  
سُورَةَ طَوِيلَةً فَقَرَأَ الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ وَ صَلَّى ثُمَّ رَكِبَ رَاحِلَتَهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ص فَبَعَثَ إِلَى مُعَاذٍ فَقَالَ يَا  
مُعَاذُ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ فَتَانًا عَلَيْكَ بِالشَّمْسِ وَ ضُحَيْهَا وَ ذَوَاتِهَا»<sup>1</sup>

این روایات گویای این نکته است که باید در نماز خواندن رعایت حال افراد بشود. اگر مأمومین  
وی افراد پیر هستند با طول دادن نماز موجب ناراحتی آنها را فراهم نکنند. چیزی که واجب است انجام  
فریضه نماز و بالاخص به جماعت می باشد، دیگر نیازی به طولانی کردن آن نیست، بلکه این عمل در  
مواقعی حتی موجب از بین رفتن ارزش نماز جماعت می شود. کودکان نیز در واقع جزء ضعیف ترین  
مأمومین محسوب می شوند و از طرفی وقتی به مسجد آمده و ملاحظه می کنند همه به نماز ایستاده اند آنها  
نیز علاقه به نماز خواندن پیدا می کنند. لذا لازم است که امام جماعت این نکته را در نظر بگیرد و نماز را  
بیش از حد طولانی نکند تا کودکان کمتر خسته شده و نهایت همراهی خود را با نماز جماعت داشته باشند.  
رعایت حال کودکان در سیره رسول گرامی اسلام کاملاً مشهود است. در یکی از نمازها ایشان  
سجده خود را طولانی تر از حد معمول کردند، تا جایی که اصحاب بعد از اتمام نماز از ایشان علت را

---

<sup>1</sup> - ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه ؛ ج 1 ؛ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه  
علمیه قم، 1413، ص 390.

<sup>2</sup> - همان.

جویا شدند. ایشان عرضه داشتند که چون امام حسن علیه السلام (که در آن زمان کودک بودند) بر گردنشان سوار شده بودند، سر برنیاوردند تا کودک اذیت نشود و بازی اش را بکند.

و رُوِيَ عَنِ النَّسَائِيِّ بِسَنَدِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَّادٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي إِحْدَى صَلَاتِي الْعِشَاءِ وَ هُوَ حَامِلٌ حَسَنًا فَتَقَدَّمَ النَّبِيُّ ص فَوَضَعَهُ ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ فَصَلَّى فَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِهِ سَجْدَةً فَأَطَالَهَا قَالَ إِنِّي رَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا الصَّبِيُّ عَلَى ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ سَاجِدٌ فَرَجَعْتُ إِلَى سُجُودِي فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّلَاةَ قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِكَ سَجْدَةً أَطَلَّتْهَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ أَوْ أَنَّهُ يُوحَى إِلَيْكَ قَالَ كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ وَ لَكِنْ ابْنِي ارْتَحَلَنِي<sup>1</sup> فَكَرِهْتُ أَنْ أُعَجِّلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ<sup>2</sup>».

از این روایت به خوبی فهمیده می شود که لازم است برای جذب کودکان به مسجد، رعایت حال آنها را کرده و در برابر آنها تندی و بدخلقی نکنیم. اگر کودک سر نماز بر روی مادر می افتد این مسئله نباید باعث شود که از آوردن او به مسجد امتناع کند. همچنین افراد دیگر نیز نباید از عملکرد او شاکی شوند.

## 5- همراه کردن کودکان با خود

در تاریخ اسلام می خوانیم که در صدر اسلام تنها امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه سلام الله علیها به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله ایمان آورده بودند. وقتی که پیامبر به مسجد الحرام می

<sup>1</sup> - قال الجزريّ و فی الحدیث ان النبیّ صلی الله علیه و آله سجد فرکبه الحسن فأبطأ فی سجوده فلما فرغ سئل عنه؟ فقال:

ان ابني ارتحلني فكرهت ان أعجله ای جعلني كالراحلة فركب على ظهري.

<sup>2</sup> - اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة (ط - القدیمة)؛ ج 1؛ اول، تبریز، بنی هاشمی، 1381، ص 521.

رفتند تا در آنجا نماز بگذارند، امام علی علیه السلام را نیز با خود همراه می کردند درحالی که ایشان فقط ده سال داشتند. در آن زمان نماز به ایشان واجب نبود لیکن رسول اکرم وی را با خود همراه می کردند. اگر همین مسئله را در زندگی خود تطبیق دهیم، متوجه می شویم که لازم است کودکان را قبل از اینکه نماز به آنها واجب شود با خود همراه کرده و به مسجد ببریم. درواقع وقب مسجد رفتن برای کودک ربطی به سن تکلیف وی ندارد. اگر آنها را به مسجد ببریم با آن آشنا می شوند و در نتیجه علاقه و انس نسبت به مسجد در آنان پدید می آید، تا کودک به جایی نرود، انس گرفتن و علاقه مند شدن به آن معنا نرود.

در کتاب ابن شهرآشوب چنین آمده است:

«وَفِي كِتَابِ الشُّبْرَاذِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى صَ لَمَّا نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ أَتَى الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ قَامَ يُصَلِّي فِيهِ فَاجْتَنَزَرَ بِهِ عَلِيُّ وَ كَانَ ابْنُ تِسْعٍ سِنِينَ فَنَادَاهُ يَا عَلِيُّ إِلَى أَقْبَلْ فَأَقْبَلَ إِلَيْهِ مُلْبِئًا قَالَ إِيَّيْ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ خَاصَّةً وَ إِلَى الْخَلْقِ عَامَّةً تَعَالَى يَا عَلِيُّ فَقِفْ عَنْ يَمِينِي وَ صَلِّ مَعِيَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَتَّى أَمْضِيَ وَ اسْتَأْذَنَ أَبُو طَالِبٍ وَالِدِي قَالَ أَذْهَبَ فَإِنَّهُ سَيَأْذَنُ لَكَ فَانْطَلَقَ يَسْتَأْذِنُ فِي أَتْبَاعِهِ فَقَالَ يَا وَدَيْ تَعْلَمُ أَنَّ مُحَمَّدًا وَ اللَّهُ أَمِينٌ مُنْذُ كَانَ أَمْضٍ وَ اتَّبَعُهُ تَرَشُّدٌ وَ تَفْلِيحٌ وَ تَشْهَدُ فَآتَى عَلِيُّ عَ وَ رَسُولُ اللَّهِ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ فَقَامَ عَنْ يَمِينِهِ يُصَلِّي مَعَهُ فَاجْتَنَزَرَ بِهِمَا أَبُو طَالِبٍ وَ هُمَا يُصَلِّيَانِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَا تَصْنَعُ قَالَ أَعْبُدُ إِلَهَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَعِيَ أَحْيَى عَلِيُّ يَعْْبُدُ مَا أَعْبُدُ يَا عَمَّ وَ أَنَا أَدْعُوكَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>1</sup>

## 6- سپردن کار به کودکان

در سیره معصومان شاهدیم که آنها در مسجد نیز کار را به فرزندان خود واگذار می کردند، یعنی با وجود اینکه خودشان از عهده انجام امور برمی آمدند اما از فرزندان خود درخواست می کردند تا آن را به

<sup>1</sup> - طبری املی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهرآشوب) ؛ ج 2 ؛ چاپ اول، قم، دلیل ما، 1427 ق، ص 18.

انجام رسانند. برای نمونه زمانی که مردی در مسجد از امیرالمومنین علی علیه السلام سوال می پرسد، ایشان به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام واگذار می کنند تا پاسخ دهند.

«أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ يَوْمًا وَ يَدُهُ عَلَى عَاتِقِ سَلْمَانَ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ ع حَتَّى دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَلَمَّا جَلَسَ جَاءَهُ رَجُلٌ عَلَيْهِ بُرْدٌ خَزٌّ - فَسَلَّمَ وَ جَلَسَ بَيْنَ يَدَيْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسَائِلَ - فَإِنْ أَنْتَ خَرَجْتَ مِنْهَا عَلِمْتُ أَنَّ الْقَوْمَ نَالُوا مِنْكَ - وَ أَنْتَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْرِكَ - وَ إِنْ أَنْتَ لَمْ تَخْرُجْ مِنْهَا عَلِمْتُ أَنَّكَ وَ الْقَوْمُ شَرَّ سَوَاءٍ»<sup>۱</sup> فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: سَلِ ابْنِي هَذَا يَغْنِي الْحَسَنَ<sup>۲</sup>.

خوب است که پدران و مادران عزیز هنگامی که می خواهند کاری در مسجد انجام دهند آن را به فرزندان بسپارند، مثلاً از کودکان بخواهند مهرنماز بین نمازگزاران پخش کنند. یا در هنگام پخش چای در مراسم، قنادان را به کودکان بدهند. این کار باعث می شود که هم احساس ارزشمندی داشته باشند و هم به واسطه این احساس به مسجد علاقه مند گردند؛ چراکه در این مکان به آنها اهمیت داده شده و قادراند استعدادها و توانایی های خود را بروز دهند.

## 7- بازی کردن با کودک

رسول اکرم صلوات الله علیه نه تنها از حضور کودکان در اطراف خود آزرده خاطر نمی شدند بلکه با آنها بازی نیز می کردند. در روایتی در این باره چنین می خوانیم:

<sup>1</sup> - الشُّرْعُ كَالطُّفْلِ وَ الشَّرْعُ كَالْفَرْحِ: الْمِثْلُ. ج. ز.

<sup>2</sup> - قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی؛ ج 2؛ چاپ سوم، قم، دارالکتاب، 1404 ق، ص 44.

عبد الله بن صالح، باسناده، عن يعلى بن مرة، أنه قال: «خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله نمشي، فإذا الحسين عليه السلام وهو صبي صغير يلعب. فبسط رسول الله صلى الله عليه وآله يديه نحوه، فجعل الحسين يمرّ مرة هاهنا، و مرة هاهنا، و يضاحك رسول الله صلى الله عليه وآله حتى أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله فجعل إحدى يديه تحت ذقنه، و الاخرى عند رأسه، و أهوى إليه، فقبّله، و اعتنقه.

ثم قال: حسين مني و أنا منه، أحبّ الله من أحبه<sup>1</sup>».

کودک به بازی علاقه مند است و اقتضای سن او این است که به بازی و سرگرمی بپردازد. مکان و زمان برای او تفاوتی ندارد، برای او تنها بازی و شادی مهم است؛ چه در خانه چه در مدرسه، خیابان و یا مسجد. او نمی تواند مانند بزرگسالان یک جا بنشیند و به نماز و عبادت بپردازد. عبادت او در مسجد همان بازی کردن اوست و باید از همین طریق او را به حضور در مسجد علاقه مند کرد. بهتر است که در مسجد وسائل بازی برای کودکان فراهم باشد و آنها برای بازی کردن آزاد گذاشته شوند. البته والدین تا می توانند آنها را هنگام اقامه نماز به داخل مسجد برده و سرگرم کنند. اما از بدرفتاری و محدود کردن کودکان به شدت پرهیز شود. این کار باعث می شود که کودک از مسجد خاطره خوبی در ذهن داشته باشد و به حضور در آن علاقه مند شود.

---

<sup>1</sup> - ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام؛ ج 3؛ چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، 1409، ص 88.

## نتیجه

با بررسی مسئله جذب کودکان به مسجد در متن قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام که در واقع مفسر قرآن هستند، به این نتیجه می‌رسیم که قرآن کریم و روایات در این زمینه نیز بشر را به طور مستقیم و غیرمستقیم راهنمایی و هدایت کرده است. اصولاً آیات قرآنی به طور غیرمستقیم به این مسئله اشاره کرده‌اند و در متن آن آیه‌ای با عنوان کودک و مسجد نمی‌توان یافت. ولی در سیره پیامبر صلوات الله علیه و ائمه معصومین علیهم السلام به طور مستقیم به این مسئله اشاره شده و گاه نیز از رفتار و عملکرد ایشان می‌توان به چگونگی رفتار با کودکان جهت جذب آن‌ها به مسجد پی برد.

## منابع

### قرآن کریم

- 1- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج 1؛ چاپ اول، قم، کتاب فروشی داوری، 1385.
- 2- ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)؛ چاپ اول، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
- 3- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه؛ ج 1؛ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413.
- 4- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه (ط - القدیمة)؛ ج 1؛ اول، تبریز، بنی هاشمی، 1381.
- 5- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار علیهم السلام؛ ج 3؛ چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، 1409.
- 6- طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج 1، سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، فتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374.
- 7- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 15، ترجمه: مترجمان، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، 1360.
- 8- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ ج 2؛ چاپ اول، قم، دلیل ما، 1427 ق.



9- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج4، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث

العربی، بی تا.

10- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی ؛ ج2 ؛ چاپ سوم، قم، دار الکتب، 1404 ق.

11- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) ؛ ج6 ؛ چاپ چهارم، تهران، دار الکتب

الإسلامیة، 1407.

12- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ:

دوم، 1403.

13- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج6، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیة، 1374.